

فرهنگ کار آفرینی و دانشگاه‌های موفق

گفت و گو با دکتر جواد حامدی - مدیر مرکز کار آفرینی و توسعه نوآوری دانشگاه تهران

اشاره:

مرکز کار آفرینی و توسعه نوآوری دانشگاه تهران با هدف توسعه ارتقاء و سطح کار آفرینی به ویژه ابعاد آموزشی، پژوهشی و ترویجی آن در میان دانشجویان و دانش‌آموختگان مقاطع مختلف تحصیلی و فراهم آوردن زمینه مشارکت هر چه بیشتر دانشگاهیان در توسعه کشور در سال ۱۳۸۱ خورشیدی تأسیس شد. پس از تصویب آیین‌نامه طرح کاراد در سازمان سنجش آموزش کشور، کمیته کار آفرینی دانشگاه تهران تأسیس گردید تا سیاست‌گذاری و راهبری امور تحقیقاتی و ترویج و آموزش کار آفرینی را دنبال کند. این کمیته در سال ۵۸ با ساختار نوین تعریف شد تا اهداف زیر را جامه عمل بپوشاند:

ترویج روحیه و فرهنگ کار آفرینی و ارتقاء شناخت جامعه دانشگاهی به ویژه دانشجویان نسبت به آن؛
ترغیب و جذب جامعه دانشگاهی به دوره‌های آموزشی کار آفرینی؛

گسترش تحقیقات تفضیلی در خصوص کار آفرینان، پروژه‌ها، محیط و فضای آن و سایر زمینه‌های مرتبط با توجه به شرایط متقاضیان؛
با دکتر جواد حامدی، مدیر مرکز کار آفرینی و توسعه نوآوری دانشگاه تهران گفت و گویی را انجام دادیم تا از اقدامات و فعالیت‌های آن با خبر شویم. وی به نقش ویژه این مرکز در توسعه و ترویج کار آفرینی اشاره و خواستار اهمیت دهی به آن در توسعه بنگاه‌های کوچک و دانش بنیان شد. حاصل این گفت و گو را در زیر می‌خوانید:

در ابتدا ساختار مرکز کار آفرینی دانشگاه تهران را توضیح دهید؟

این مرکز که تحت نظارت کمیته کار آفرینی دانشگاه تهران عمل می‌کند، از ۳ گروه آموزش، پژوهش، ترویج و مشاوره تشکیل شده است. در کمیته کار آفرینی، رئیس دانشگاه، رئیس پارک علم و فن آوری، معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی، معاون پژوهش و فن آوری دانشگاه تهران به اتفاق بنده عضویت دارند. همچنین یک تا سه نفر عضو هیأت علمی یا صاحب‌نظر در زمینه کار آفرینی از داخل و یا خارج دانشگاه در نشست‌ها حضور می‌یابند.

وظایف و اختیارات کمیته کار آفرینی چیست؟

تدوین آیین‌نامه داخلی و مرکز کار آفرینی دانشگاه، کمک به سازماندهی مرکز کار آفرینی، حمایت و هدایت و نظارت بر فعالیت‌های آن، طراحی و زمانبندی برنامه سالانه طرح کاراد، تصویب و نظارت و پیگیری طرح‌های تحقیقاتی، آموزشی و ترویجی، آموزش و پرورش کار آفرینان، برنامه ریزی برای تربیت مربیان و استادان آموزش‌های کار آفرینی با همکاری گروه مدیریت، کمک به ایجاد مراکز رشد دانشگاه، معرفی کار آفرینان برگزیده سال به دبیرخانه طرح کاراد، نظارت بر اجرای مصوبات شورای مرکزی کار آفرینی، تأمین امکانات لازم برای اجرای هر چه بهتر طرح کاراد، ارائه طرح‌های اولیه در زمینه فعالیت‌های ترویجی آموزشی و پژوهشی، ارزیابی عملکرد کار آفرینی و تأیید گزارش‌های سالانه عملکرد اداری و مالی پیشرفت طرح در دانشگاه و در نهایت تهیه و تدوین بودجه پیشنهادی و ارائه آن به دبیرخانه طرح کاراد.

در این میان مرکز کار آفرینی چه نقشی دارد؟

برنامه‌های ترویجی، آموزشی و پژوهشی طرح کاراد با همکاری و همفکری اعضاء هیأت علمی و صاحب‌نظران آشنا تهیه و به کمیته کار آفرینی

ایده‌ها شناسایی شوند؟

با همکاری معاونت فن آوری و شکوفایی ریاست جمهوری کانون خلاقیت را در دانشگاه تهران راه‌اندازی کرده ایم تا ایده‌های نوین و با پتانسیل را شناسایی کند. همچنین در نظر داریم که مشاوره‌های لازم را در همان ابتدا به دانشجویان علاقه‌مند بدهیم. چرا که امروزه دانشگاهی موفق خواهد شد که کار آفرین باشد.

موضوع دیگر مسئله تجاری سازی ایده‌ها در داخل کشور است. مرکز کار آفرینی دانشگاه تهران در این راستا چه فعالیت‌هایی داشته است؟

این مرکز طرح کسب و کار را برای ایده‌ها نوشته و افراد را به پارک علم و فن آوری دانشگاه تهران معرفی می‌کند تا در وهله اول تک محصولی از آن تولید شود و در گام بعدی به تولید انبوه برسد. همچنین مراحل ثبت آن در اداره ثبت اختراعات پیگیری شده و در صورت تایید به صورت پتنت چاپ خواهد شد. همچنین مشاوره‌های بازار یابی و تحقیقات بازار صورت می‌گیرد تا فروش آن به طور دقیق ارزیابی شود. البته می‌دانیم که تجاری سازی به درستی در کشور صورت نگرفته و با چالش عظیم مواجه است.

از جمله اهداف تأسیس مراکز کار آفرینی، وقوع موج دوم بیکاری در کشور است. این موضوع را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

همانطور که می‌دانید آموزش عالی و مراکز دانشگاهی در یک دهه اخیر، متخصصین و مهندسی فراوانی را تحویل صنعت داده اند که مسئله بیکاری خواه ناخواه حادث خواهد شد. این یک واقعیت است که کارخانجات و مراکز تولیدی ما توانایی اشتغال این همه نیروی متخصص را ندارند. از طرفی دیگر شاخه پزشکی نیز با این مشکل مواجه است. این مشکل از همان عدم توزیع مناسب کارشناسان در سراسر کشور نشأت

می‌گیرد. به راستی چرا نباید متخصص به خارج از کشور صادر کنیم و به درستی آنها را به کار بگیریم. در این میان نوع آموزش و روش‌های آن مطرح می‌شود. اگر چه با وقوع انقلاب فرهنگی انتظار بهبود ساختار آموزشی می‌رفت ولی واقعیت چیز دیگری بود. چرا که دانشگاهیان با صنعتگر ارتباط مطلوبی بدلیل شیوه آموزش محور نداشتند. آنهم صنعتی که به شدت عقب افتاده است.

چرا؟

مشخص است. نمونه بازر آن واکسن سازی ایران است. روزگاری ما صادرکننده این محصول به خاور میانه و آسیای مرکزی بودیم ولی هم اکنون چه جایگاهی داریم. یا در بقیه صنایع ما همچون پتروشیمی و فولاد مشکلات عدیده‌ای دیده می‌شود. البته اعتقاد دارم زمانی موفق خواهیم شد و بستر کار آفرینی فراهم می‌گردد که تکلیف پول نفت مشخص شود. بارها گفته شده که ایرانیان مردمان ثروتمندی هستند. در حالیکه چنین اعتقادی ندارم. این سرمایه در مقایسه با دیگر کشورها آنهم در شرایط اقتصادی فعلی چندان نیست. آری، اگر این ثروت عادلانه مابین مردم توزیع گردد و همگان سهم خود را بدانند، مشخص می‌شود که ناچیز است. آن زمان است که اهمیت کار آفرینی عیان خواهد شد.

و سخن پایانی؟

به امید روزی که ساختار اقتصادی ایران تغییر کرده و همگان کار آفرین شوند. این را بدانید که کارمند به دلیل حقوق محدود خود پیشرفت نخواهد کرد. در حالیکه کاسب بدبنا بازار بهتر و مشتری بیشتر است. زمانی می‌توان ادعای خصوصی سازی و تشکیل بنگاه‌های کوچک را داشته باشیم که ترس از کار آفرینی را از خود دور کرده و ریسک پذیر باشیم.